

Ayatollah Khamenei: Hegemonizing Emerging Religious Concepts in Form and Substance

Mohammad Sajad Shiroody

Assistant Professor, Political Science, Faculty of Humanities, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran (Corresponding author).

m.s.shiroody@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Hadi Rajabi

Assistant Professor, Political Science, Faculty of Humanities, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran.

Rajabi7772@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The colonial invasion of the East led to the introduction of modern political ideas into Islamic countries, including Iran. In this context, Shia scholars such as Seyyed Jamal al-Din Asadabadi, Mohammad Hossein Naini, and Imam Khomeini sought to integrate modern political concepts with Islamic culture. Ayatollah Khamenei, as one of the most prominent contemporary thinkers, has innovatively redefined religious concepts within the framework of modern thought, presenting a new model for Islamic governance and resistance. Using a descriptive-analytical method, this article examines Ayatollah Khamenei's efforts in hegemonizing emerging religious concepts such as religious democracy, Islamic resistance, and social justice. The research findings indicate that by utilizing traditional concepts and adapting them to contemporary needs, he has developed an intellectual framework capable of resolving conflicts between tradition and modernity while strengthening the position of religious discourse in global politics. This article also analyzes Ayatollah Khamenei's role in localizing religious concepts and presenting a comprehensive model of governance based on Islamic teachings, in which justice, spirituality, and resistance are introduced as the main pillars of his intellectual system. This model has not only played a significant role in theoretical domains but has also influenced the domestic and foreign policies of the Islamic Republic of Iran, opening new horizons for Islamic civilization-building.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Hegemonization, Emerging Concepts, Tradition and Modernity.



مقاله پژوهشی

آیت الله خامنه‌ای؛ هژمون‌سازی مفاهیم نوپدید دینی در صورت و سیرت

محمدسجاد شیرودی

استادیار، علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
m.s.shiroody@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

هادی رجبی

استادیار، علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
Rajabi7772@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

چکیده:

تهاجم استعمار به جهان شرق، ورود اندیشه‌های سیاسی مدرن به کشورهای اسلامی، از جمله ایران را به همراه داشت. در این میان، علمای شیعه مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمدحسین نائینی و امام خمینی (ره) تلاش کردند تا مفاهیم سیاسی مدرن را با فرهنگ اسلامی تلفیق کنند. آیت الله خامنه‌ای، به عنوان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان معاصر، با رویکردی نوآورانه به بازتعریف مفاهیم دینی در قالب اندیشه‌های مدرن پرداختند و الگویی نوین برای حکمرانی و مقاومت اسلامی ارائه دادند. این مقاله، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، به بررسی اندیشه آیت الله خامنه‌ای در هژمون‌سازی مفاهیم نوپدید دینی همچون مردم‌سالاری دینی، مقاومت اسلامی و عدالت اجتماعی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ایشان با بهره‌گیری از مفاهیم سنتی و تطبیق آن‌ها با نیازهای معاصر، به ایجاد چهارچوبی فکری پرداخته‌اند که توانسته است علاوه بر حل تعارضات میان سنت و مدرنیته، جایگاه گفتمان دینی در عرصه سیاست جهانی را تقویت کند. این مقاله همچنین به تحلیل نقش آیت الله خامنه‌ای در بومی‌سازی مفاهیم دینی و ارائه مدلی جامع از حکمرانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌پردازد که در آن، عدالت، معنویت و مقاومت به عنوان ارکان اصلی نظام فکری ایشان معرفی می‌شوند. این مدل نه تنها در حوزه نظری، بلکه در سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی ایفا کرده و افق‌های جدیدی برای تمدن‌سازی اسلامی گشوده است.

واژگان اصلی: آیت الله خامنه‌ای، هژمون‌سازی، مفاهیم نوپدید، سنت و مدرن.



دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.480595.1062

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

مردم‌سالاری دینی، در کنار مفاهیمی همچون جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی، از نوآوری‌های مفهومی در گفتمان نوین سیاسی به شمار می‌آید. این مفهوم، الگویی جدید برای مدیریت و حکمرانی ارائه می‌دهد که نه به سنت‌های سلطنتی وابسته است و نه از تعاریف آزادی در چهارچوب غربی تبعیت می‌کند. مردم‌سالاری دینی ترکیبی از حداکثر نقش‌آفرینی دین و دموکراسی حداقلی است که تلاش می‌کند نظام سیاسی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را با انتخاب و اراده مردم هماهنگ سازد. برخی اندیشمندان کوشیده‌اند مردم‌سالاری دینی را با دموکراسی غربی همسان بدانند، اما تفاوت‌های اساسی میان این دو مفهوم وجود دارد. دموکراسی، برگرفته از ریشه‌های یونانی، به قدرت مردم در تصمیم‌گیری‌ها اشاره دارد. درحالی‌که در مردم‌سالاری دینی، ارزش‌های دینی به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در حوزه عمومی و سیاست ایفای نقش می‌کنند. این نظام، برخلاف مدل‌های غربی، بر پایه عقل‌گرایی، عدالت و تعهدات اخلاقی استوار است و در همه ابعاد، نقش برجسته دین در پیشبرد اهداف جامعه را نمایان می‌سازد.

از ابتدای تأسیس حکومت اسلامی، مردم‌سالاری دینی به‌عنوان مدلی عملی مطرح شد و در تجربه حکومت امیرالمؤمنین^(ع) نمود یافت. این الگو در رفتار حضرت علی^(ع) با خوارج، با حداکثر آزادی و مدارا، به‌خوبی مشهود است. این تجربه تاریخی، نشان‌دهنده تطابق ارزش‌های دینی با اصول دموکراتیک است که در آن حتی مخالفان نیز از حقوقی برابر بهره‌مند بودند. این رویکرد، زمینه‌ساز تعریفی جدید از نظام‌های حکومتی است که در آن دین و مردم‌سالاری به‌عنوان دو مؤلفه درهم‌تنیده عمل می‌کنند. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مردم‌سالاری دینی نه صرفاً تلفیقی از دموکراسی غربی با آموزه‌های دینی، بلکه مدلی مستقل و برخاسته از ارزش‌های اسلامی است. ایشان مردم‌سالاری دینی را الگویی می‌دانند که مشروعیت الهی را با انتخاب آزادانه مردم پیوند می‌دهد. این مدل، علاوه بر اینکه بر اراده مردم تأکید دارد، متولیان حکومت را نیز در برابر مردم متعهد و پاسخگو می‌سازد. آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که تحقق یک حکومت واقعی دموکراتیک بدون دین امکان‌پذیر نیست و بر این اساس، مردم‌سالاری دینی را نه تنها در ساختار حکومت اسلامی بلکه در ماهیت و سیرت آن به‌عنوان عنصری بنیادین معرفی می‌کنند.

در این چهارچوب، مردم‌سالاری دینی به الگویی برای تحقق مشروعیت الهی، عدالت، خدمت‌مداری و رشد مادی و معنوی تبدیل می‌شود. این مفهوم، تفسیر دوباره‌ای از اصول حکومتی شیعه بر اساس آموزه‌های ائمه اطهار^(ع) است که نقش مردم را در کنار تعالیم دینی برجسته می‌سازد. نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به این الگو، نه صرفاً به‌عنوان یک مفسر، بلکه به‌عنوان کارگزاری است که حفظ و گسترش این نظام را در راستای مفاهیم ناب اسلامی دنبال می‌کند. این تفسیر، نشان‌دهنده تلاش برای ارائه مدلی جامع و عملی از حکمرانی بر مبنای آموزه‌های شیعی است که در صورت و سیرت، تحولی در گفتمان سیاسی معاصر به شمار می‌آید.

روش تحقیق؛ روش توصیفی-تحلیلی

روش توصیفی-تحلیلی یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌های پژوهش در علوم انسانی است که برای بررسی مسائل مختلف با رویکردی جامع و علمی به کار می‌رود. این روش ترکیبی از دو مرحله توصیف و تحلیل است و به پژوهشگر کمک می‌کند تا ضمن ارائه داده‌های دقیق و مستند، به تحلیل و استنباط‌های منطقی درباره موضوع پژوهش بپردازد.

۱. مرحله توصیف: در این مرحله، پژوهشگر به گردآوری و ارائه اطلاعات و داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش می‌پردازد. این اطلاعات می‌توانند شامل مفاهیم، نظریات، پیشینه تاریخی و داده‌های آماری باشند. هدف این مرحله، ارائه تصویری شفاف و منظم از موضوع است. به‌عنوان مثال، در پژوهش‌هایی که به تحلیل هژمون‌سازی مفاهیم دینی توسط آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازند، توصیف شامل ارائه بیانات ایشان، تفسیرهای مفهومی و پیشینه تاریخی مفاهیم مورد بحث خواهد بود. این مرحله با اتکا به منابع معتبر و مستندات علمی صورت می‌گیرد (Creswell, 2014).

۲. مرحله تحلیل: پس از توصیف، پژوهشگر به تحلیل داده‌های گردآوری‌شده می‌پردازد. تحلیل شامل بررسی عمیق داده‌ها، شناسایی الگوها و استنباط مفاهیم جدید است. پژوهشگر در این مرحله، چهارچوب‌های نظری مرتبط را به کار می‌گیرد تا ضمن تبیین روابط میان مفاهیم، به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهد. برای مثال، در بررسی نقش

هژمون‌سازی مفاهیم دینی، تحلیل ممکن است شامل مقایسه تطبیقی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای با نظریات مشابه در حوزه اندیشه اسلامی و سیاست باشد (Miles & Huberman, 1994:28).

ویژگی‌ها و مزایای روش توصیفی - تحلیلی:

۱. انعطاف‌پذیری: این روش قابلیت به‌کارگیری در موضوعات مختلف از جمله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای را داراست؛

۲. دقت و جامعیت: ترکیب توصیف دقیق با تحلیل عمیق، موجب ارائه تصویری جامع از موضوع می‌شود؛

۳. رویکرد علمی: استناد به منابع معتبر و چهارچوب‌های نظری علمی، پژوهش را از اعتبار بیشتری برخوردار می‌سازد (Cohen et al, 2018: 31).

روش توصیفی - تحلیلی در پژوهش‌های دینی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی کاربرد گسترده‌ای دارد. به‌ویژه زمانی که هدف پژوهشگر، تحلیل موضوعاتی پیچیده و چندبعدی باشد، این روش انتخاب مناسبی است. برای مثال، پژوهش‌های مرتبط با تحلیل نقش دین در سیاست، بررسی اندیشه‌های رهبران مذهبی و تحلیل تطبیقی مفاهیم اسلامی از این روش بهره می‌گیرند. به همین دلیل در این مقاله نیز از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

پیشینه تحقیق؛ درباره هژمون‌سازی مفاهیم نوپدید دینی

بررسی پیشینه تحقیق در زمینه هژمون‌سازی مفاهیم دینی، به‌ویژه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نشان‌دهنده تلاش‌های گسترده‌ای برای فهم مفاهیم سیاسی و دینی در بستر سنت و تجدد است. مهم‌ترین منابع مرتبط با این موضوع به شرح زیر است:

۱. سنت و تجدد در اندیشه اسلامی؛ علامه طباطبایی و شهید مطهری از جمله متفکرانی هستند که مفهوم سنت را به‌عنوان بخشی از نظم طبیعی و الهی در جامعه تبیین کرده‌اند. علامه طباطبایی سنت را دارای شخصیت فعلی و انسانی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۲۱). شهید مطهری نیز بر این باور است که عدالت و مفاهیم اخلاقی باید در همه ابعاد حیات اجتماعی و سیاسی جریان داشته باشد و این مفاهیم را ریشه در آموزه‌های قرآنی می‌داند (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۴).

۲. اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره)؛ امام خمینی^(ره) تلاش کرد مفاهیم نوین سیاسی را در چهارچوب سنت اسلامی بازتعریف کند. روش ایشان مبتنی بر یافتن مشابهت‌های ظاهری میان مفاهیم سنتی و مدرن بود، اما در نهایت این مفاهیم در راستای تحقق عدالت اجتماعی و اسلامی به‌کار گرفته شدند (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۹). دیدگاه‌های ایشان در رابطه با ولایت فقیه و حکومت اسلامی نمونه‌ای از این هژمون‌سازی مفاهیم دینی است.

۳. هژمون‌سازی مفاهیم توسط آیت‌الله خامنه‌ای؛ آیت‌الله خامنه‌ای با بهره‌گیری از تجربه پیشینیان، به تبیین مفاهیمی مانند مردم‌سالاری دینی، مقاومت اسلامی و عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. ایشان این مفاهیم را نه‌تنها برای گفتمان داخلی بلکه به‌عنوان ابزار دیپلماسی نرم در سطح بین‌المللی معرفی کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۵/۲۲). مفهوم عدالت در اندیشه ایشان، نه‌تنها یک ارزش اسلامی، بلکه مبنایی برای پیشرفت تمدنی و مقابله با تفکرات مادی‌گرایانه غرب است.

۴. مقاومت اسلامی و نرمش قهرمانانه؛ مفهوم مقاومت اسلامی در گفتمان رهبری فراتر از مقاومت نظامی است و ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را نیز در برمی‌گیرد. نرمش قهرمانانه به‌عنوان یک راهبرد عقلانی برای مقابله با چالش‌های داخلی و بین‌المللی معرفی شده است. این مفهوم، در امتداد دیدگاه تاریخی امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) در مبارزه با ظلم و تحریف دین مطرح شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۵/۲۲).

۵. تأثیر تحولات جهانی؛ متفکرانی مانند سید حسین نصر و داود فیرحی نیز به نقش سنت و مدرنیته در بازتعریف هویت دینی و فرهنگی جوامع اسلامی پرداخته‌اند. دیدگاه‌های نصر درباره پیوند میان حقیقت الهی و سنت بشری تأثیر مستقیمی بر مفاهیم هژمون‌سازی دینی داشته است (نصر، ۲۰۰۳: ۲۸). فیرحی نیز بر تعامل میان اندیشه دینی و حکمرانی اسلامی تأکید کرده و نشان داده است که چگونه این مفاهیم در پاسخ به چالش‌های مدرنیته تطبیق یافته‌اند (فیرحی، ۱۳۸۹).

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مفاهیم نوپدید دینی در بستر سنت اسلامی، به‌ویژه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، بر اساس تعامل میان سنت و مدرنیته بازتعریف شده‌اند. این مفاهیم نه‌تنها در حوزه نظری، بلکه به‌عنوان ابزارهای عملی در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مطالعات مرتبط با این موضوع بیشتر به بررسی تطبیقی

اندیشه رهبران انقلاب اسلامی و تحلیل تعامل آن‌ها با گفتمان‌های مدرن اختصاص دارد. این موضوع همچنان می‌تواند محور پژوهش‌های آتی در زمینه بومی‌سازی دانش و هویت اسلامی باشد.

مفاهیم تمدن‌ساز در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

آزادی معنوی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

واژه «معنوی» در لغت‌نامه دهخدا به معنای باطنی، روحانی، ذاتی، اصلی و حقیقی و در برابر مادی و صوری آمده است (دهخدا، ۱۳۸۹). در لغت‌نامه کمبریج نیز معنویت به کیفیتی اشاره دارد که شامل باورها و احساسات عمیق از نظر سرشت مذهبی و در برابر بخش‌های فیزیکی زندگی انسان است. نکته مشترک این دو تعریف، تقابل معنویت با مادیت و تأکید بر ابعاد روحانی و احساسی انسان است.

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، معنویت انس و الفت درونی با خداوند متعال است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸). در این نگاه، توحید و ارتباط با خداوند از ارکان اصلی معنویت محسوب می‌شوند. برخلاف تعاریف عمومی که بُعد روحانی انسان ممکن است به هر چیزی تعلق یابد، در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای این توجه معطوف به خداوند یگانه است. این تفاوت ناشی از جایگاه برجسته مفاهیم دینی و توحیدی در منظومه فکری ایشان است. این نوع معنویت پشتوانه‌ای برای اراده راسخ و عزم قاطع در مواجهه با مشکلات و چالش‌های زندگی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸). ایشان معتقدند که حذف معنویت در جهان غرب نه تنها دستاوردی نداشته، بلکه عدالت و رفاه عمومی را نیز محقق نکرده است؛ به باور ایشان، راه رهایی جامعه انسانی از مشکلات کنونی، توجه به معنویت است. خلأ معنویت در زندگی انسان امروز مشهود بوده و زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. ایشان از نخبگان علمی می‌خواهند که معنویت را مبنای کسب دانش خالص و مورد استفاده برای بشریت قرار دهند. بر این اساس، معنویت راهی صحیح برای زندگی فردی و جمعی است که انسان را از نیهیلیسم و پوچ‌گرایی که جهان غرب دچار آن است، دور می‌سازد و اعمال او را در مسیر الهی هدایت می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱).

معنویت در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به معنای پیوند درونی با خداوند است. بر همین اساس، آزادی معنوی رهایی از عوامل درونی مانند ترس از مرگ، گرسنگی و فقر است که مانع از عمل آزادانه انسان در جامعه می‌شوند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸). این آزادی به معنای گسستن بندهایی است که انسان را از عمل آگاهانه و ارادی باز می‌دارد. آیت‌الله خامنه‌ای تعریف شهید مطهری از آزادی معنوی را برترین فضیلت‌ها می‌داند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸). شهید مطهری آزادی معنوی را هدیه ارزشمند انبیا در کنار آزادی اجتماعی معرفی کرده و غفلت از آن را مشکل امروز جامعه بشری می‌داند (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۲). به باور او، آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر نیست. این دیدگاه با تعالیم دینی و روایات اسلامی انطباق داشته و مورد تأیید آیت‌الله خامنه‌ای است. ایشان آزادی معنوی را نه یک مسئله تاکتیکی، بلکه یک واقعیت اساسی می‌دانند و آزادی اجتماعی منهای آزادی معنوی را انحرافی جدی تلقی می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸).

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی غربی به دلیل بی‌توجهی به معنویات از مسیر اصلی منحرف شده است و نمی‌تواند انسان را به آزادی حقیقی برساند. به باور ایشان، آزادی در جامعه اسلامی با مفهومی متفاوت تعریف می‌شود که شامل «سلوک الی الله» و «قرب الی الله» است. آزادی معنوی از منظر ایشان رهایی از قیود درونی و موانعی است که مانع جهاد و صراحت لهجه در مسیر حق می‌شوند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸). این نگاه تفاوت اصلی میان آیت‌الله خامنه‌ای و اندیشمندان معاصر است. ایشان تمامی مفاهیم و واژگان را در چهارچوب دین و شریعت الهی معنا می‌کنند و معتقدند که آزادی غربی بر مبنای انسان‌محوری و حذف توحید بنا شده است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، آزادی معنوی در منظومه فکری ایشان مکمل آزادی اجتماعی است. آزادی اجتماعی، مورد تأکید جوامع غربی، بر افزایش حق انتخاب انسان‌ها تمرکز دارد و مبنای آن مادی‌گرایی است اما آزادی معنوی بر مبنای توحید استوار است. آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که آزادی معنوی امری درونی است که زمینه ظهور و بروز اجتماعی دارد. این نوع آزادی، انسان را از قیود و محدودیت‌های بیرونی و درونی رها کرده و او را برای حرکت الی الله آماده می‌سازد. آزادی معنوی زیربنای آزادی اجتماعی است و

بدون آن، آزادی اجتماعی دچار انحراف می‌شود. تحقق آزادی معنوی در چهارچوب اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز تعالی آزادی اجتماعی و دستیابی به عدالت و عقلانیت باشد.

مقاومت اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

در تبیین اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای درباره مقاومت اسلامی، دو دیدگاه عینی و ذهنی وجود دارد که در امتداد یکدیگر قرار می‌گیرند. این دو دیدگاه، زمانی که در چهارچوبی جامع و کلی قرار می‌گیرند، به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی، جایگاهی رفیع در مهندسی فکری ایشان پیدا می‌کنند. آنچه در این میان حائز اهمیت است، این واقعیت است که آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای دوران زعامت خود تا به امروز در تمامی سال‌ها بر این موضوع تأکید داشته‌اند و آن را به‌عنوان یک واقعیت اسلامی و ملموس مورد توجه قرار داده‌اند. اگر مفهوم مقاومت اسلامی تنها در چهارچوب گروه‌های مقاومت منطقه‌ای تعریف شود، نمی‌توان به درک کامل و دقیق از اندیشه ایشان دست یافت.

این نگاه در سخنان ایشان به‌وضوح نمایان است؛ ایشان در این باره می‌فرمایند: «وقتی از مقاومت یاد می‌شود بلافاصله افکار به مقاومت در برابر نیروهای نظامی، امنیتی و امثال این‌ها معطوف می‌شود. خوب، بله قطعاً مقاومت است، اما فراتر از آن، مقاومت فرهنگی است. اگر حصار فرهنگی، باور فرهنگی در کشور تکان بخورد، همه چیز از دست می‌رود. امروز که ۳۷ سال، ۳۸ سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد، انگیزه دشمنان برای نفوذ به حصار فرهنگی بیشتر از روز اول است ... هدف از این حرکت دقیقاً همان چیزی است که منشأ و هسته اصلی ایجاد نظام اسلامی شد، یعنی ایمان دینی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۶/۱۲/۱۳۹۵). بر این اساس، مقاومت اسلامی باید در یک چهارچوب جامع تعریف شود که مفاهیمی چون معنویت، عقلانیت و عدالت را شامل می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نظام کارآمد دینی نظامی است که در سایه عقلانیت هدایت‌شده توسط معنویت، به عدالت ختم می‌شود. عدالت به‌عنوان گمشده تمدن اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان بر این باورند که هرگاه جامعه‌ای به سمت اسلام‌خواهی و عدالت‌خواهی حرکت کند، استکبار جهانی دشمن آن جامعه خواهد بود.

این موضوع زمانی به‌خوبی قابل درک است که عدالت‌خواهی اسلامی به فریاد مظلومان تبدیل شود. هرگاه این شرایط محقق شود، مقاومت اسلامی نیز شکل می‌گیرد. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مقاومت اسلامی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی معنا پیدا می‌کند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «مسجد [هم] اساس مقاومت است و هم مبنای رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و درک فرهنگی. در میان فرهنگ، سیاست هم هست ... سیاست یعنی نگاه کردن به حرکت عمومی جامعه تا ببینیم به کجا می‌رویم؛ آیا به سمت هدف حرکت می‌کنیم یا زاویه می‌گیریم و از هدف دور می‌شویم؟ ... سیاست قلب فرهنگ است؛ اتفاقات جامعه را باید با این منظر دید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۱۲/۱۶).

آیت‌الله خامنه‌ای، مقاومت اسلامی را نه صرفاً یک راهبرد سیاسی، بلکه بخشی از یک فرهنگ والا می‌دانند که ریشه در اسلام ناب دارد. از نظر ایشان، مقاومت اسلامی ریشه در بعثت پیامبر اکرم (ص) دارد و با آن آغاز شده است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «همان ایستادگی اول بعثت، منجر می‌شود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابی‌طالب. شوخی نیست؛ سه سال در یک دره‌ای در مجاورت مکه، بدون آب، بدون گیاه، در زیر آفتاب سوزان. پیغمبر، جناب ابی‌طالب، جناب خدیجه، همه مسلمان‌ها و خانواده‌هایشان، توی این تکه شکاف کوه زندگی کردند. راه هم بسته بود که برای این‌ها غذا نیاید ... اما مسلمان که بچه‌اش در مقابلش پرپر می‌زد، تکان نخورد» (خامنه‌ای، مکتوبات، ۱۳۸۷/۱۰/۰۸).

از دیدگاه ایشان، مقاومت اسلامی مسیری است که از آغاز اسلام تا ظهور منجی عالم بشریت ادامه خواهد داشت و هیچ‌گاه نباید از قهرمانان تهی شود. آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یک مفسر و نظریه‌پرداز، مقاومت اسلامی را همواره در چهارچوب اسلام ناب تعریف کرده‌اند و تلاش داشته‌اند مفهوم مقاومت را جدای از اسلامیت نبینند. هرچند ایشان با احترام به مقاومت‌های غیر اسلامی نگاه می‌کنند، اما مقاومت اسلامی را به‌عنوان یک فرهنگ حقیقی و راستین می‌شناسند که در راستای فرهنگ اسلامی است. به همین دلیل، ایشان تأکید دارند که مقاومت اسلامی نباید صرفاً در قالب مبارزه نظامی دیده شود، بلکه یک جریان فرهنگی و اجتماعی است که با معنویت، عقلانیت و عدالت، پیوندی ناگسستنی دارد. این نگاه، مقاومت اسلامی را به یک اصل تمدن‌ساز و بنیادی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تبدیل کرده است.

نرمش قهرمانانه در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر ضرورت تدبیر همراه با مقاومت در مسائل مربوط به دیپلماسی تأکید داشته‌اند. از دیدگاه ایشان، کار دیپلماسی باید با اصول انقلابی و اسلامی سازگار باشد. ایشان در سخنرانی‌های متعدد خود بیان کرده‌اند که به دیپلماسی و ضرورت‌های آن پایبند هستند، به شرط آنکه این روند در چهارچوب شیوه‌های اسلامی و انقلابی قرار گیرد. یکی از مفاهیم کلیدی در سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم نرمش قهرمانانه است که ایشان نخستین بار در اوایل دهه هفتاد مطرح کردند و بار دیگر در سال ۱۳۹۲ آن را برجسته نمودند. از دیدگاه ایشان، مقابله با دشمن باید با دقت، عقلانیت و مهارت همراه باشد، به گونه‌ای که مانند یک کشتی‌گیر حرفه‌ای عمل شود. ایشان می‌فرمایند: «ما مخالف روش صحیح و منطقی دیپلماسی نیستیم ... من سال‌ها پیش به آنچه "نرمش قهرمانانه" نامیده می‌شود، اعتقاد داشته‌ام ... یک کشتی‌گیر که با حریف خود مبارزه می‌کند، نباید کسانی را که در کنارش هستند فراموش کند. باید کاری که انجام می‌دهد و هدف حریف را بشناسد و با درایت عمل کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۵/۲۲).

این دیدگاه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، ریشه در تفکر اسلامی ایشان دارد. ایشان نمونه عینی نرمش قهرمانانه را در صلح امام حسن^(ع) می‌بینند و می‌فرمایند: «امام حسن^(ع) مصداق عینی انعطاف شجاعانه است ... نرمش قهرمانانه یعنی استفاده از انعطاف و زور، همان‌طور که امام حسن^(ع) با شکوه‌ترین نمونه این رویکرد را در تاریخ اسلام به نمایش گذاشتند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۵/۲۲). ایشان تأکید دارند که نرمش قهرمانانه نباید به اصول مقاومت عدالت‌خواهانه که بر پایه اندیشه اسلامی است، لطمه‌ای وارد کند. به باور ایشان، میان نرمش قهرمانانه به عنوان یک استراتژی و آرمان‌گرایی عقل‌محور، مرزبندی روشنی وجود دارد.

نرمش قهرمانانه از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، ابزاری است که میدان مقاومت را گسترش داده و به تحقق آرمان‌های اسلامی کمک می‌کند. اگر مقاومت اسلامی یک فرهنگ باشد، نرمش قهرمانانه در معماری فکری آیت‌الله خامنه‌ای، راهبردی برای دستیابی به این فرهنگ متعالی است که از امکانات دیپلماسی برای پیشبرد اهداف عدالت اسلامی بهره می‌گیرد. این دیدگاه زمانی معنا می‌یابد که عرصه مقاومت اسلامی در ارائه مفاهیم واقعی فرهنگ و تمدن

اسلامی ناکام بماند. در چنین شرایطی، نرمش قهرمانانه می‌تواند نقش تبیین‌کننده داشته و درعین حال فشار مضاعفی را که استکبار جهانی بر مقاومت اسلامی اعمال می‌کند، کاهش دهد. نرمش قهرمانانه، روشن‌کننده تفاوت میان فرهنگ عدالت‌خواهی و فرهنگ مهاجم است. هنگامی که استکبار جهانی فضای فرهنگی مقاومت اسلامی را غبارآلود می‌کند، نرمش قهرمانانه این غبار را فرو می‌نشاند و مسیر دستیابی به حقیقت را هموار می‌سازد. این رویکرد، مشابه اقدام صلح امام حسن^(ع) است که در برابر فضای غبارآلود معنوی جامعه توسط معاویه اتخاذ شد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در برابر دشمنانی که با در اختیار داشتن رسانه‌های قدرتمند، فرهنگ مقاومت را به‌طور خصمانه تحریف می‌کنند، از نرمش قهرمانانه به‌عنوان ابزاری برای امیدبخشی به جبهه مقاومت و آگاهی‌بخشی به مردمی که زیر بمباران تبلیغاتی قرار دارند، یاد می‌کنند. نرمش قهرمانانه، در زمان مناسب، می‌تواند اسلام را از انحراف نجات دهد. اگر صلح امام حسن^(ع) به‌عنوان یک نرمش قهرمانانه مطرح نبود، امروز قیام امام حسین^(ع) به‌عنوان نمونه مقاومت اسلامی در برابر تحریف دین شناخته نمی‌شد. در نتیجه، نرمش قهرمانانه مقدمه‌ای برای ایجاد مقاومت اسلامی عقلانی و عدالت‌خواه در فضایی غبارآلود است. این مفهوم، با تکیه بر اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان راهبردی حیاتی در مقابله با چالش‌های پیچیده سیاست جهانی و در راستای حفظ ارزش‌های اسلامی و عدالت‌طلبی، مطرح می‌شود.

عدالت و پیشرفت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

از دیرباز مفهوم عدالت همواره در هاله‌ای از ابهام بوده است و اندیشمندان بسیاری تلاش کرده‌اند تا این موضوع را بررسی کرده و به تعریفی روشن دست یابند. در معنای لغوی، عدالت به انصاف، قضاوت عادلانه، عدالت‌ورزی، اجرای عدالت و عدالت اجتماعی تعریف می‌شود که همه افراد جامعه باید از آن برخوردار باشند (معین، ۱۳۶۲). برخی نظریه‌پردازان عدالت را به دو دسته صوری و ماهوی تقسیم می‌کنند؛ عدالت صوری به‌عنوان یک هنجار رسمی بر همه موقعیت‌ها و افراد به‌طور برابر و بدون تبعیض حاکم است؛ درحالی‌که عدالت ماهوی به محتوای حکم توجه دارد (بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۲). اندیشمندان غربی نیز عدالت را از منظرهای مختلفی تحلیل کرده‌اند. ارسطو عدالت را به عمل انسان عادل نسبت

می‌دهد (نوری، ۱۳۹۵: ۱۱). برتراند راسل معتقد است عدالت همان چیزی است که بیشتر مردم آن را عادلانه می‌پندارند یا سیستمی که شکایات مردم را به حداقل می‌رساند (حکیمی، ۱۳۷۶: ۲۲). از سوی دیگر، جان رالز عدالت را به‌عنوان دستیابی به وضعیت ایدئالی تعریف می‌کند که از پرده جهالت فراتر می‌رود و بر منافع فردی غلبه می‌کند. در مقابل، اندیشمندان اسلامی معتقدند که عدالت را نمی‌توان به‌سادگی تعریف کرد، بلکه باید ویژگی‌های آن را برشمرد. در این میان، شهید مرتضی مطهری با وضوح بیشتری به این موضوع پرداخته است. از منظر قرآن کریم، عدالت در تمام نظام طبیعی و خلقت الهی جاری است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). این آیه نشان می‌دهد که نظام فطرت و حکومت الهی بر پایه عدالت استوار است (زنجیری، ۱۳۹۲: ۱۴).

عدالت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای؛ از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت یکی از مهم‌ترین مبانی پیشرفت در جامعه اسلامی است. ایشان عدالت را نه تنها به‌عنوان یک اصل اسلامی بلکه به‌عنوان پایه‌ای برای ساختن جامعه‌ای پیشرفته و تمدن‌ساز تعریف می‌کنند. عدالت و پیشرفت لازمه حکومت اسلامی؛ آیت‌الله خامنه‌ای عدالت و پیشرفت را لازمه اصلی حکومت اسلامی می‌داند و این دو را از مهم‌ترین دلایل تشکیل چنین حکومتی برمی‌شمارند. ایشان می‌فرمایند: «شاخص سوّم [دولت اسلامی]، مسئله عدالت است ... این توسعه باید با عدالت همراه باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵).

عدالت و پیشرفت زمینه‌ساز وحدت ملی؛ ایشان عدالت و پیشرفت را عاملی برای ایجاد وحدت ملی می‌دانند و بر این نکته تأکید دارند که ایران یکپارچه، با اقوام گوناگون و اهداف مشترک، می‌تواند الگویی برای جهان اسلام باشد. ایشان می‌فرمایند: «ایران یکپارچه با اقوام گوناگون و چند قومی ... اهداف عالی این ملت یکی است. همه می‌خواهند ایران عزیزشان را به‌عنوان یک کشور نمونه اسلامی معرفی کنند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۹/۱۷).

عدالت و پیشرفت لازمه تمدن‌سازی و الگوسازی؛ از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت و پیشرفت دو رکن اصلی تمدن‌سازی و الگوسازی در جهان اسلام هستند. ایشان می‌فرمایند:

«یکی از ارکان اصلی الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی باید حتماً مسئله عدالت باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰).

تمدن‌سازی و تقابل تمدن اسلامی با تمدن غرب

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که پیشرفت بدون عدالت مطلوب نیست و عدالت بدون پیشرفت نیز به معنای برابری در فقر و عقب‌ماندگی است. ایشان می‌فرمایند: «عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر، این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم؛ پیشرفت، همراه با عدالت ...» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۷/۰۸). در مقایسه تمدن اسلامی و تمدن غربی، ایشان معتقدند که تمدن مادی غرب اگرچه در علم و تکنولوژی پیشرفت کرده، اما از جنبه‌های معنوی و اخلاقی دچار خسارت شده است. ایشان می‌فرمایند: «تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و همزیستی مهربانانه مردم با یکدیگر» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۴/۰۸).

عدالت و پیشرفت از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، دو مفهوم جدایی‌ناپذیر هستند که در بستر اسلام ناب معنا پیدا می‌کنند. این دو مفهوم نه تنها مبنای تشکیل حکومت اسلامی، بلکه لازمه تمدن‌سازی و الگوسازی برای جهان اسلام هستند. ایشان بر این باورند که پیشرفت بدون عدالت بی‌معناست و عدالت نیز بدون پیشرفت نمی‌تواند به شکوفایی کامل برسد. تمدن اسلامی، برخلاف تمدن مادی غرب، پیشرفت مادی را با معنویت و عدالت تلفیق می‌کند تا به سود بشریت عمل کند. این دیدگاه، عدالت و پیشرفت را به‌عنوان دو محور اصلی برای تحقق آرمان‌های بلندمدت انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی تبیین می‌کند.

عزت، حکمت و مصلحت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سه اصل «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» جایگاهی بنیادین و راهبردی دارد. آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر رعایت این اصول در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و دیپلماتیک تأکید داشته‌اند.

معنای لغوی و مفهومی اصول؛ عزت در لغت به معنای شدت، قهر و غلبه است و لازمه آن شکست‌ناپذیری و عدم پذیرش سلطه است. این واژه بر قدرت و غلبه دلالت دارد و در

سیاست به معنای استقلال و استحکام در برابر فشارها و تهدیدها به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۰). حکمت نیز در لغت به معنای دانش و توانایی است. یکی از معانی مهم حکمت، بازداشتن انسان از انجام امور ناپسند است (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۱). این معنا هم‌ریشگی حکمت و حکومت را نمایان می‌کند و به اندیشه‌ای کهن از فرمانروایی حکیمانه بازمی‌گردد. مصلحت به معنای «صلاح دیدن» یا اعمالی است که منفعت فرد و جامعه را تأمین می‌کند. این واژه، در برابر فساد قرار دارد و به معنای انتخاب بهترین گزینه‌ها برای تأمین منافع عمومی است (معلوف، ۱۹۸۶: ۱۴).

تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر اصول سه‌گانه

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، اصول «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» به‌عنوان بنیان‌های سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی، تضمین‌کننده استقلال و کارآمدی نظام اسلامی است. ایشان در سخنرانی‌ها و بیانات خود همواره این اصول را مورد توجه قرار داده و بر اهمیت رعایت آن‌ها در سه حوزه کلیدی تأکید کرده‌اند:

۱. حکمت، عزت و مصلحت در انتخاب افراد

آیت‌الله خامنه‌ای بر ضرورت انتخاب افرادی که متعهد به این اصول باشند تأکید دارند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«[نامزدهای انتخابات باید] مدبر باشند، در سیاست خارجی گفتیم "عزت، حکمت و مصلحت". در مدیریت، در امور داخلی و اقتصاد هم همین‌طور است ... عزت یعنی تقویت درونی فرد یا جامعه. این امر، او را در مقابله با دشمن، موانع و مشکلات قوی می‌کند. وقتی فضیلت جایگاه شخص یا اجتماع را بپوشاند، مانند حصاری مستحکم عمل می‌کند که نفوذ دشمن به آن دشوار می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

۲. حکمت، عزت و مصلحت در سیاست خارجی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از ابتدا بر اساس این اصول طراحی و اجرا شده است. ایشان در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ تأکید کرده‌اند که سیاست خارجی باید «دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت» باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸). آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین این اصول، مفهوم «تقیه» را نیز به‌عنوان مصلحتی برای حفظ منافع ملی مطرح کرده‌اند: «ارزش دیگر این است که سیاست خارجی

ما مبتنی بر سه اصل عزت، حکمت و تقیه است. معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی در هیچ‌یک از مناسبات بین‌المللی خود به‌گونه‌ای عمل نکند که موجب ذلت اسلام و مسلمین شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

ایشان همچنین بر نقش حکمت در دیپلماسی تأکید دارند: «حکمت یعنی با منطق و آرامش وارد عرصه دیپلماسی شویم. خرد، عزت و قدرت مکمل یکدیگرند و باید در جهت منافع ملی و با حفظ هویت اسلامی و ملی به کار گرفته شوند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۱۸).

۳. حکمت، عزت و مصلحت در سیاست داخلی

در سیاست داخلی نیز این سه اصل راهنمای سیاست‌گذاری‌هاست. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که برنامه‌ریزی عاقلانه، بر اساس هندسه‌ای منظم و با رعایت عزت، حکمت و مصلحت، موجب تقویت انسجام و اقتدار داخلی می‌شود. ایشان تأکید دارند: «در سیاست خارجی باید احترام داشت و همین اصول "حکمت و مصلحت" در اداره دولتی نیز مطرح است. در امور داخلی هم باید با هندسه درست و برنامه‌ریزی عاقلانه رعایت شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۲/۰۷).

بنابراین، اصول عزت، حکمت و مصلحت، ستون‌های سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران هستند که به تبیین رویکردی عقلانی، مقتدرانه و هدفمند در عرصه داخلی و خارجی می‌انجامند. این اصول، ضمن حفظ استقلال کشور، زمینه‌ساز تعامل سازنده با جهان و ارتقای جایگاه ایران در مناسبات بین‌المللی هستند. رعایت این اصول، هم در انتخاب مدیران و هم در تنظیم راهبردها، تضمین‌کننده موفقیت و پیشرفت نظام اسلامی در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌رو است.

نتیجه‌گیری؛ بوم‌گرایی دینی و منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای

وزن نظریه سنت‌گرایی بر سنت شیعه متمرکز است و درک این موضوع کمک می‌کند تا این نظریه با دقت بیشتری فهمیده شود. این مقاله به معنای سنت، زندگی معصومین^(ع) و سنت شیعه می‌پردازد. سنت، اگرچه به گذشته تعلق دارد، صرفاً مربوط به گذشته نیست (لگنهاوزن، ۱۳۸۶: ۱۵). از نظر علامه طباطبایی، سنت دارای شخصیت فعلی است و به

تعبیر شهید مطهری نیز ماهیت انسانی دارد. بورکهارت سنت را از جانب خداوند می‌داند و شاوان آن را به معنای دین بدون پرهیزگاران تعریف می‌کند. به گفته عبده، امت جاهلی سنت قرآن را متفاوت می‌بیند. سنت، با انسان شدن آغاز می‌شود و در فرایند سنت شدن شکل می‌گیرد. انسان‌ها علاوه بر سرمایه و توانایی‌های زیستی به ارث رسیده، دانش و خرد را گردآوری می‌کنند، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی می‌سازند و از گذشته عبرت می‌گیرند. موفقیت انسان‌ها به زندگی در پرتو سنت بستگی دارد. بدون سنت، تاریخ وجود ندارد و انسان نمی‌تواند از مرحله حیات زیستی فراتر رفته و به موجودی فرهنگی تبدیل شود (بابایی، ۱۳۸۲: ۱۲).

سنت، برخلاف محافظه‌کاری رنه گنون، میراث حسن حنفی یا نظریات فاطمه مرنیسی، مدرنیسم را تسخیر نمی‌کند، بلکه به آن نگاهی استعلایی دارد. این سنت، مشابه دیدگاه «اریک وگلین» است که مدرنیسم را انحراف از دین می‌داند و آمیختگی آن با واقعیت را بخشی از سنت یا مدرنیته می‌شمارد که به سنت در چهره و ماهیت اصالت می‌بخشد. سنت می‌تواند مولد، احیاگر، فعال یا وارونه باشد. برخی ویژگی‌های اصلی سنت عبارت‌اند از:

۱. تاریخی بودن: از نظر علامه طباطبایی، پیامبر در گذشته و آینده الگو است؛
 ۲. قوه اجرایی: به گفته مجتهد شبستری، مرد شدن از سنت شدن آغاز می‌شود؛
 ۳. ناسازگاری با مدرنیسم: مطابق بیانیه مک‌ایتتایر، سنت با مدرنیته ناسازگار است.
- بررسی ابعاد سنت در دیدگاه نصر به ما کمک می‌کند تا سنت را به‌عنوان حقیقتی الهی درک کنیم که از معصومین^(ع) برای هدایت مردم آورده شده است. از دید نصر، سنت اصولی الهی است که انسان را به اصل خود پیوند می‌دهد. وی در مصاحبه‌ای بیان می‌کند:
- «واژه سنت در بسیاری موارد به معنای عرف، رفتار یا روایت تاریخی به‌کار می‌رود، اما به باور من سنت حقیقتی است که از امر مقدس نشئت می‌گیرد و از طریق وحی به انسان داده می‌شود... مراقبت از این سنت ضروری است زیرا موهبتی الهی است که بر اساس حقیقت مطلق شکل گرفته است» (نصر، ۲۰۰۱: ۱۱).

به‌طور خلاصه، سنت مجموعه‌ای از «حقایق جهانی و ابدی» است که با جهان خداوند مرتبط هستند. سنت، اصولی است که از بالا نازل می‌شود و انسان را با اصل خود پیوند می‌دهد. در معنای مضیق، سنت اصولی است که مسلمانان در زندگی روزمره خود به‌کار

می‌گیرند و در نهایت به اصول غایی ارجاع دارد (نصر، ۱۳۸۳: ۱۳۵). با این حال، نوعی پراکندگی در تعریف سنت در دیدگاه نصر مشاهده می‌شود. او گاهی سنت را در همه ادیان انسانی و الهی می‌بیند و گاهی آن را صرفاً به دین الهی یا اسلام محدود می‌کند.

سنت در اسلام شیعه دارای حجیت است. این درک از سیره و مرجعیت معصومین، بازگشتی به آرمان‌هایی است که در گذشته استوار بوده و به مرور زمان تضعیف شده‌اند. بر این اساس، احیای سنت بخشی از بازگشت به آن آرمان‌ها است. شاطبی بیان می‌کند:

«این سنت، برخلاف سنت اندیشمندان، معصوم است و معصوم بر آن حجیت دارد. بهتر است تنها بر روش زندگی معصومین تکیه کنیم، زیرا آنان در علم، به‌ویژه علم شریعت که پایه ایمان است، استوارترین هستند» (شاطبی، بی‌تا: ۹۷).

سنت به معنای مخالفت با خلاقیت نیست، بلکه راه را برای رفع تأخیر باز می‌کند. سنت، برخلاف نوآوری، ارزش اجتماعی ندارد و نقش آن به‌عنوان پایه زندگی و جامعه استوار است. ویژگی‌های اصلی سنت عبارت‌اند از:

۱. گذشته‌گرایی و تکرارپذیری؛ نگرش به گذشته به‌گونه‌ای است که بر حال و آینده تأثیر می‌گذارد (فیرحی، ۱۳۸۸: ۱۲).

۲. نظم و زیست ارگانیکی؛ سنت‌ها مانند موجودات زنده می‌آیند و می‌روند. رفتن سنت به معنای نابودی کیفیت آن نیست، بلکه در چرخه‌های انتقال تداوم می‌یابد (فیرحی، ۱۳۸۸: ۱۳).

۳. برنامه‌ریزی و مدیریت؛ سنت را نمی‌توان بدون نگهبان و متخصص (پیر و جوان) تصور کرد.

۴. همراهی با دین؛ هر جا سنت مطرح شود، دین و به‌ویژه اسلام و شیعه به ذهن متبادر می‌شود.

۵. تأکید بر ذات نامستقل انسان؛ بر اساس کلام اسلامی، فطرت انسان خودبسنده نیست و نیازمند راهنمایی بیرونی است (فیرحی، ۱۳۸۸: ۱۴).

۶. اقتدارگرایی سنت؛ سنت تمایل دارد هرچیز خارج از منطق دین را به حاشیه براند (شیرودی، ۱۳۸۴: ۱۶).

فهرست منابع:

- ابن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۴.
- ابن منظور، العلامه (۱۹۸۸). لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۷.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۹). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آربلاستر، آنتونی (۱۳۸۵). دموکراسی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، نشر آشیان.
- بابایی، محمد (۱۳۸۲). امام خمینی (ره) در بستر سنت و تجدد، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۳۹.
- البحرانی الاصفهانی، عبدالله (بی تا). عوالم العلوم والمعارف والاحوال. قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی.
- بختیاری، صادق (۱۳۸۲). تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- حسینی، رضا (۱۳۹۰). الگوی مردم سالاری دینی و نسبت آن با بیداری اسلامی، مجله جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۴.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۶). حقوق و عدالت، مجله نقد و نظر، بهار و تابستان، شماره ۲ و ۳.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲)، بیانات در جمع نخبگان علمی کشور.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳)، نرمش قهرمانانه و مقاومت اسلامی. تهران: پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۰۲/۰۷)، بیانات در دیدار با کارگران و فعالان بخش تولید.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵/۰۴/۰۸)، بیانات در دیدار با رئیس جمهور سنگال.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۰۴/۰۸)، بیانات در محفل انس با قرآن.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷/۰۷/۰۸)، بیانات در دیدار با دانشجویان.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷/۱۰/۰۸)، پیام به رسانه‌ها و روشنفکران جهان اسلام و به‌ویژه جهان عرب.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹/۰۹/۱۰)، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۰۵/۱۵)، بیانات در دیدار با اساتید و پژوهشگران دانشگاه‌های کشور.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۱۲/۱۶)، بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران راهیان نور.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۹/۱۷)، بیانات در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی.

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰/۰۴/۱۸)، *بیانات در دیدار با سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور*.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱/۰۹/۲۱)، *بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان در اجلاس بین‌المللی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام*.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۰۵/۲۲)، *بیانات در دیدار با مسئولان وزارت خارجه*.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- زنجیری، محمدحسین (۱۳۹۲)، *خاستگاه پادشاه و کیفر به روایت قرآن*، مجله قدس، شماره ۵۴۷۸.
- شاطبی، ابواسحاق (بی تا)، *الموافقات فی اصول الشریعه*، بیروت، دارالمعرفه، ج ۱.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۴)، *روایت ایرانی از سنت و تجدد*، مجله زمانه، سال چهارم، شماره ۳۷.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۶)، *چستی حقیقت در دستگاه معنایی اریک وگلین*، فصلنامه علمی پژوهشی آینه معرفت، شماره ۱۳.
- طباطبایی، جواد (۱۳۶۷)، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۱.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۸)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فیرحی، داود (۱۳۸۸)، *سنت و تجدد دو الگوی معرفت‌شناسی در تحلیل دانش سیاسی مسلمانان*، Bashgah.net
- فیرحی، داود (۱۳۸۹)، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران: نشر نی.
- گولد، جولوس؛ کولب، ویلیام بی (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، تهران، مازیار.
- لگنهاوزن، محمد (۱۳۸۶)، *نقدی بر آرا و اندیشه‌های سنت‌گرایان*، ترجمه منصور نصیری، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۸۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، *عدل الهی*، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *عدل الهی*، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *گفتارهای معنوی*، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، *جاذبه و دافعه علی^(ع)*، تهران: انتشارات صدرا.
- معلوف، لویس (۱۹۸۶)، *المنجد فی اللغة*، بیروت، ذوی القربی.
- معین، محمد (۱۳۶۲)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، مؤسسه امیرکبیر، ج ۲.
- نراقی، ملااحمد (۱۳۷۵)، *عوائد لایام*، قم، مرکز النشر المکتبه الاعلام الاسلامی.

- نصر، سید حسین (۲۰۰۳)، سنت و مدرنیته. نیویورک: انتشارات دانشگاه کلمبیا.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۳). معرفت و معنویت، ترجمه ان‌شاءالله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نصر، سیدحسین (۲۰۰۱). گفت‌وگو با روزنامه زمان چاپ ترکیه، ترجمه منصوره حسینی و داود وفایی.
- نوری، مختار (تابستان ۱۳۹۵). مفهوم عدالت در فلسفه سیاسی ارسطو و جان رالز، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۳۰۴.
- Creswell, J. W. (2014). Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches (4th ed.). Sage publications.
- Miles, M. B., & Huberman, A. M. (1994). Qualitative data analysis: An expanded sourcebook. Sage publications.
- Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2018). Research methods in education (8th ed.). Routledge.

